

سیراف، بندری کهن

بهرام شفیعی
دبیر تاریخ دشتستان

اشاره

تجارت یکی از مسائلی است که همواره از نظر اقتصادی برای دولت‌ها اهمیت زیادی داشته است. با توجه به اهمیت تجارت در رشد اقتصادی دولت ساسانی، آنها پس از تأسیس سلسله خود، در کناره خلیج فارس بندری ایجاد کردند. سیراف یکی از این بندرهاست که تا قرن‌های چهارم و پنجم هجری نیز اهمیت خود را حفظ کرده بود. سیراف هم به لحاظ ارتباطی و هم به دلیل تجاری، برای ساسانیان اهمیت داشته است. در این مقاله به وضعیت سیراف در دوره ساسانی و یافته‌های باستان‌شناسی این بندر در دوره ساسانیان می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: سیراف، ساسانیان، بندرهای دوره ساسانی.

بندر سیراف



سیراف در دوره ساسانیان

بندر سیراف در فاصله ۲۴۰ کیلومتری شرق بندر بوشهر و ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی کنگان و در ساحل خلیج فارس قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰ متر است. (اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۸: ۲۷۳). در ۲۷ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی (عباس اقبال، ۱۳۲۴: ۷). و در باریکه‌ای به طول ۴ کیلومتر و عرض نزدیک به ۷۰۰ متر، میان کوه و دریا، قرار گرفته است. این بندر تا قبل از ۱۳۸۴ خورشیدی از روستاهای تابعه کنگان بوده ولی اکنون به شهر تبدیل شده است (اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۸: ۲۷۳).

بندر سیراف از جمله مراکز حضور ساسانیان در کناره‌های خلیج فارس است و یکی از مراکز تجاری ساسانیان و نقطه اتصال نواحی داخلی ایران و دولت‌های خارجی به‌شمار می‌رفته است. سیراف قدیم از شهرهای ولایت اردشیر خرّه بود که در حال حاضر ویرانه‌های آن نزدیک بندر طاهری کنونی قرار دارد (شواتس، ۱۳۷۲: ۹۰).

در مورد نام اصلی و ریشه نام سیراف نظرهای متفاوتی داده شده است. در همه کتاب‌های مسالک و ممالکی که در نخستین سده‌های هجری نوشته شده، نام این بندر بزرگ را به صورت «سیراف» می‌بینیم (سمسار، ۱۳۵۷: ۲۴). در مورد دیگر نام‌ها و ریشه این کلمه، گروهی معتقدند که نام فارسی قدیم سیراف، «شیلاو» بوده که لهجه دیگری از سیراف است. شیلاو و جزء اول این

نام یعنی شیل همان است که هنوز در شمال ایران یعنی در سواحل دریای مازندران به آب‌های دار اطلاق می‌شود و جمع آن را شیلات می‌گویند (اقبال، ۱۳۲۴: ۷).

در کتاب «معجم‌البلدان» نیز از سیراف نام برده شده است. یاقوت حموی در این باره اعتقاد دارد که وقتی کیکاوس به آسمان صعود کرد، خداوند به باد دستور داد وی را در زمین فرود آورد. پس از سقوط در سیراف وی از خداوند شیر و آب طلب کرد تا بپاشد، باد نیز شیر و آب به وی داد؛ لذا بعدها این مکان را «شیرآب» نامیدند و آن نام بعدها به سیراف تغییر یافت (سمسار، ۱۳۵۷: ۲۴). بنابراین، «شیلو» یا «شیلاف» صورت دیگری از سیراف است که در گویش محلی مردم جنوب ایران آب به «او» یا «اف» تبدیل شده است. در مورد واژه شیل نیز باید گفت واژه‌های فارسی است و چنانکه یاد شد، جمع آن شیلات است. در بعضی نوشته‌ها

به «شیراو» یا «شیرآب» نیز برمی‌خوریم. در حقیقت شیر و سیرهای به کاررفته در نام‌های یاد شده، همگی در آغاز «اردشیر» بوده است، مثل ریشهر که ریواردشیر و بردسیر که برداردشیر بوده است. بنابراین، «شیر» به کار رفته در نام «شیرآب» نیز از همین دسته است، یعنی نام نخستین سیراف باید «اردشیرآب» باشد.

سابقه بندر سیراف به دوره ساسانیان و شاید قبل از آن می‌رسد، اما اوج شهرت آن در اواخر دوره ساسانی تا قرن پنجم هجری قمری است. سیراف بندر تجاری شاخص ایرانیان در خلیج فارس، مرکز تجمع ادیان گوناگون، و مرکز دریانوردی ایرانیان در خلیج فارس، در طول تاریخ در کانون توجه مورخان و محققان ایرانی و غیرایرانی قرار گرفته است.

پس از روی کار آمدن ساسانیان، پادشاهان این سلسله سعی کردند بنادری را برای ارتباط با مناطق داخلی پارس و ایجاد رابطه اقتصادی با دولت‌های دیگر ایجاد کنند. بندر سیراف نیز از شهرهایی بود که برای ارتباط با نواحی داخلی پارس ایجاد شد. این شهر بندرگاه اصلی فیروزآباد، نخستین پایتخت ساسانیان و آسان‌ترین راه ارتباط این شهر و ساحل بوده است. از آنجا که حیات اقتصادی این بندر به شدت به مسیر تجارت منتهی به فیروزآباد وابسته بود، احتمال می‌رود که اردشیر بابکان سیراف را به‌منظور بهره‌مندی از سود سرشار تجارت دریایی مورد توجه قرار داده باشد. بسیاری از محققان معتقدند دژ سیراف را شاپور دوم ساسانی به منظور تقویت مواضع تدافعی ساحل

خلیج فارس در قبال تعرضات اعراب بنا کرده است (وایتهاوس و ویلیامسن، ۱۳۵۵: ۲۳). به هر حال، به نظر می‌رسد سیراف نقطه ارتباط و اتصال با فیروزآباد و نواحی داخلی فارس بوده است.

مهم‌ترین سندی که در مورد ارتباط سیراف با فیروزآباد در دست است، جاده سنگ‌فرشی است که **لویی واندنبرگ** در ۱۳۳۸ خورشیدی آن را کشف کرده است (مصطفوی، ۱۳۵۷: ۵۱۸). ساسانیان با احداث این جاده، شهر سیراف را به فیروزآباد ارتباط داده بودند. این راه نزدیک‌ترین مسیر از طریق شهر گور یا فیروزآباد امروز به سیراف بوده است. جاده مزبور مستقیماً از فیروزآباد به خلیج فارس می‌رفت و از کنار سیاه، دهرام، میان‌دشت، دزگان و جم به طرف سیراف امتداد می‌یافت. طول این راه ۲۵۰ کیلومتر بود و فقط با قاطر قابل عبور بود. این جاده برای ساسانیان خصوصاً از لحاظ اقتصادی اهمیت داشت، زیرا از طریق آن ارتباط تجارت از

در سده‌های نخستین اسلامی نیز بندر سیراف

یکی از بنادر مهم خلیج فارس بود که در

متون به عنوان مرکز تجارت ایران در سواحل

خلیج فارس معرفی شده است. تقریباً اکثر

محققان سده‌های نخست هجری به توصیف

آن پرداخته و آن را یکی از بنادر مهم جهان

دانسته‌اند که به خصوص کشتی‌های پارسی،

چینی و هندی در آن به کار واردات و

صادرات کالامی پرداختند

راه دریا با داخل کشور تأمین می‌شد. این جاده تا قرن دهم میلادی راه تجاری بوده است (مصطفوی، ۱۳۵۷: ۱۰۴). اصطخری مسافت شیراز تا سیراف را ۶۸ فرسنگ (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۱۵) و ابن حوقل این مسافت را ۶۰ فرسنگ (۱۳۶۶: ۵۲) ذکر می‌کنند. بقایای یک آتشکده و سه کاروان‌سرای دیگر دوره ساسانی را نیز در کنار راه مزبور مشاهده کرده است. تمام این کاروان‌سراها بر سر راه بازرگانی فیروزآباد به سواحل خلیج فارس [سیراف] بوده است (مصطفوی، ۱۳۵۷: ۵۱۸).

در بررسی اوضاع ایران در دوره ساسانیان مشاهده می‌کنیم که اواسط این دوره با اوج عظمت اقتصادی ایران، خصوصاً در قرن ششم میلادی، مصادف است. در این دوره، ایران به عنوان میانجی اقتصادی، به دادوستد با چین و هند می‌پرداخت. از آنجا که پایتخت ایران شهر تیسفون نزدیک دریا بود، لذا آسان‌ترین راه برای دادوستد با چین و هند راه دریایی بود که به تیسفون ختم می‌شد. در واقع، ایران میانجی کالاهای رومی بود که در بندرهای شرقی مدیترانه به زمین نهاده می‌شدند و از راه‌های خود گذرانده و پس از بارگیری از بندرهای جنوبی ایران، راهی چین و هند می‌شدند. از این‌رو، بندرهای جنوبی ایران در کناره خلیج فارس به سرعت گسترش یافتند (اسدپور، ۱۳۸۴: ۲۲۶). در واقع، کانون بازرگانی و تجارت در خلیج فارس، سیراف بود. در این دوره بندر سیراف نه فقط رفت و آمد تجار و دریانوردان از همه ملل آزاد بود بلکه همگان از حقوق یکسان برخوردار بودند (اسدپور، ۱۳۸۴: ۲۲۶). مورخان و جغرافی‌دانان ترکیب جمعیتی سیراف را مشخص نکرده‌اند، اما معلوم است که ایرانی‌ها، اعراب، یهودی‌ها، هندی‌ها و سایر گروه‌ها از جمله آفریقایی‌ها جمعیت آن را تشکیل می‌دادند (معصومی، ۱۳۷۴: ۲۶).

در دوره بهرام دوم و قدرت‌گیری کرتیر، کهدین زرتشتی گسترش زیادی یافت، بهرام دوم تصمیم گرفت دست گروه‌های مخالف خود را از خلیج فارس کوتاه کند. از جمله این گروه‌ها پالمیریان بودند که از دوران پارتیان تا این زمان در جزیره خارک ساکن شده بودند و تجارت در خلیج فارس را در دست داشتند. به همین دلیل، بهرام دوم تصمیم گرفت دست آنها را از خارک و خلیج فارس کوتاه کند؛ لذا بندر سیراف را که در فاصله دو پایتخت قرار داشت، تقویت کرد. وی با این اقدام توانست توجه دریانوردان و کشتی‌رانان و بازرگانان دریایی را از آفریقا تا خاور دور و هندوستان و دریای احمر و مصر به سیراف معطوف کند (سرافراز، مجموعه مقالات، ۵۵-۵۴).

در زمان شاپور دوم نیز تجارت گسترش زیادی یافت تا آنجا که کالاهای ایران در چین از شهرت خاصی برخوردار بودند؛ از جمله: قالی‌های بابلی، مرواریدها و خشکبار سیرافی. شواهد تاریخ

و باستان‌شناسی دریایی جدید نیز گواه خوبی بر رونق تجارت دریایی بین ایران و چین در دوره ساسانیان [خصوصاً دوره شاپور دوم] است (وثوقی، ۱۳۸۴: ۷۶).

به نظر می‌رسد سیراف در دوره ساسانی بندر تجارت مشهوری بوده است. به علاوه، به عنوان نقطه اتصال خلیج فارس و فیروزآباد و نواحی داخلی پارس اهمیت داشته است.

در سده‌های نخستین اسلامی نیز بندر سیراف یکی از بنادر مهم خلیج فارس بود که در متون به عنوان مرکز تجارت ایران در سواحل خلیج فارس معرفی شده است. تقریباً اکثر محققان سده‌های نخست هجری به توصیف آن پرداخته و آن را یکی از بنادر مهم جهان دانسته‌اند که به خصوص کشتی‌های پارسی، چینی و هندی در آن به کار واردات و صادرات کالا می‌پرداختند.

مسعودی، اصطخری، مقدسی، یاقوت حموی، ابن بلخی و دیگر مورخان و جغرافیایان هر کدام توصیفی از این بندر زیبا و پررونق بازرگانی داشته و از بناها و ثروت مردمان آن سخن گفته‌اند. آنها موقعیت، ویژگی و شرایط سیراف را در آثار خود آورده‌اند. در اینجا به بعضی از نوشته‌های این مورخان و جغرافیایان اشاره می‌کنیم. ابن خلدون در اثر خود از شهر سیراف و نجیرم در شمال هرمز نام می‌برد (ابن خلدون، ۱۳۷۴: ۱۱۵).

اصطخری در مورد سیراف چنین می‌گوید: «سیراف شهری بزرگ است از اعیان شهرهای پارس، و در آنجا کشت و کشاورزی نباشد و آب از دور برسد» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۳۶). وی در مورد کالاهای موجود در سیراف چنین می‌گوید: «از سیراف متاع زیاد خیزد، چون عود، عنبر، کافور، و جواهر و خیزران و عاج و آبنوس و پلپل و صندل و تمامت بوی‌های خوش و داروها...» (همان، ۱۳۴: ۱۳۴) و در ادامه در مورد مردم سیراف چنین ذکر می‌کند: «مردم سیراف توانگر بودند و دارایی خود را از تجارت دریا جمع می‌کنند» (همان، ۱۴۵: ۱۴۵). در حدود العالم نیز در مورد سیراف چنین آمده است: «سیراف شهری بزرگ و گرمسیر است. هوای درست دارد و جای بازرگانان است و بازارگاه پارس است...» (ستوده، ۱۳۶۳: ۱۳۱).

مسعودی نیز بسیاری از بازرگانان و دریانوردان سیراف را نام می‌برد که از خلیج فارس تا «نانفوی چین» در حال رفت و آمد و بازرگانی بوده‌اند و اطلاعات فراوانی از دریا داشته‌اند (مسعودی، ۱۳۵۶: ۱۰۵).

ابن حوقل نیز در اثر خود سیراف را شهر بزرگی می‌داند. وی این شهر را از اردشیر خوره می‌داند و آن را از شهرهای بزرگ آن پس از شیراز می‌شمارد و وسعت آن را در حدود شیراز ذکر می‌کند. همچنین، وصفی نیز از خانه‌های مردمان سیراف می‌کند که نشان‌دهنده رفاه ساکنان آن است. وی اهالی آنجا را بازرگان معرفی می‌کند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۵۱).

● قلعه سوریانج (سوریانج)

در جریان کاوش‌های فصل ششم باستان‌شناسی در سیراف که در فاصلهٔ آبان تا اسفند ۱۳۵۱ صورت پذیرفت، در زیر پایه‌های مسجد سیراف، آثار قلعه‌ای از دورهٔ ساسانی آشکار شد (وایت هوس، ۵۳: ۲۲۳). به نظر می‌رسد این قلعه همان قلعه‌ای باشد که بلاذری در کتاب خود از آن به سوریانج یا شهریاچ نام برده است. بلاذری در ادامه به فتح قلعه توسط اعراب اشاره می‌کند (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۴۶).

در جریان کاوش‌های وایت هوس در بخش شمال شرقی مسجد، قسمت ورودی و برج‌های قلعه مشخص گردید. سکه و سفال‌های یافت شده در این محل ساسانی بودن قلعه را ثابت

ابن البلخی نیز در فارس‌نامه سیراف را شهری بزرگ، آباد و پر نعمت می‌داند. از مال زیاد آن در روزگار خلفا یاد می‌کند که به علت داشتن عطر و بوی خوش و کافور و عود و سندل و مانند آن بوده است (ابن البلخی: ۱۳۶). مقدسی نیز ضمن شرح در مورد سیراف، این شهر را طرف تجارت چین معرفی می‌کند و آن را درگاه چین می‌نامد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۲۳).

بلاذری در اثر خود «فتوح البلدان» از قلعهٔ سوریانج ساسانی نام برده است. وی می‌نویسد: «یکی از اهل فارس مرا گفت دژ سوریانج می‌گفتند و تازیان آن شهر را شهریاچ خواندند» (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۴۶).

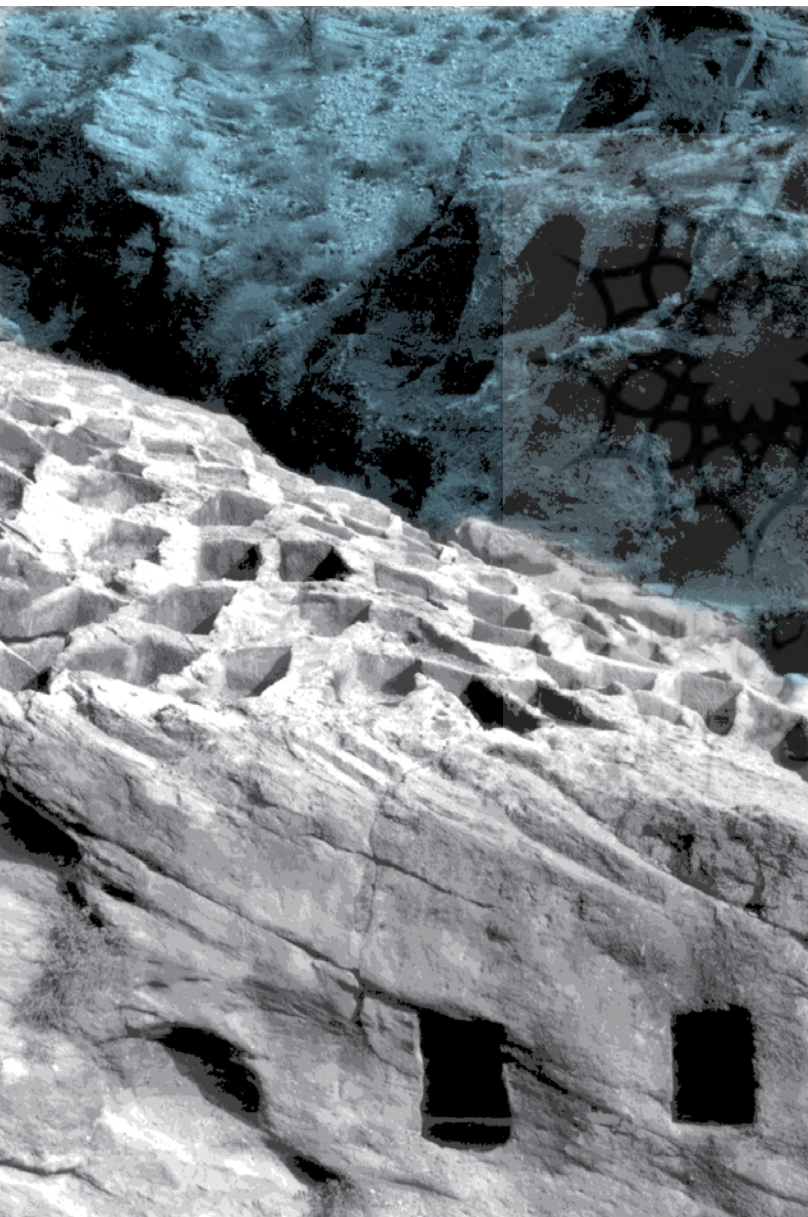
یکی از محققان خارجی نیز که به سیراف اشاراتی کرده **لسترنج** است. وی از قول مورخان اسلامی، سیراف را بزرگ‌ترین بندر ایران در خلیج فارس می‌داند و اشاره می‌کند تمام کالاهایی که از طریق دریا وارد می‌شد، از آن بندر توزیع می‌گردید. امتعهٔ نفیس و کمیاب هندی که در زبان عربی آنها را مجموعاً «نوبهار» می‌گفتند به آنجا وارد می‌شد (لسترنج، ۱۳۶۴: ۳۱۴).

باتوجه به نوشته‌های مورخان می‌توان استنباط کرد که سیراف از دورهٔ ساسانیان تا قرون نخستین اسلامی آباد بوده و همواره به عنوان بندری بازرگانی و مرتبط با دیگر سرزمین‌ها اهمیت داشته است.

قدرت سیراف در دورهٔ ساسانیان با ظهور اسلام و حملهٔ اعراب به سر رسید. ساسانیان در این زمان قدرت گذشتهٔ خود را از دست داده بود و با حملهٔ اعراب به ایران سقوط این دولت مسلم شد. در ادامهٔ فتوحات اعراب در ایران، نوبت به فارس و ریشهر (بوشهر) رسید. پس از فتح ریشهر (بوشهر)، اعراب متوجه سیراف شدند و درصدد فتح آن برآمدند. فتح سیراف بین سال‌های ۲۸ و ۲۹ هجری قمری اتفاق افتاده است. ظاهراً پس از فتح مجدد استخر در سال ۲۹ هجری قمری، اعراب سیراف را فتح کردند (یاحسینی، ۱۳۸۴: ۲۶). شهر سیراف در مقابل هجوم و محاصرهٔ اعراب مدت یک ماه مقاومت کرد، اما پس از آن تسلیم شد و به دست مسلمانان افتاد (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۴۶). با سقوط شهر، تسلط ساسانیان نیز بر این شهر از بین رفت، اما سیراف به‌زودی عظمت خود را بازیافت و در چهار قرن نخستین اسلامی، شهرتی بیشتر از دورهٔ ساسانی یافت و مرکزی برای تجارت و دادوستد بازرگانان ایرانی و دیگر دولت‌ها شد.

یافته‌های باستان‌شناسی دورهٔ ساسانیان در سیراف

طی چندین فصل کاوش در سیراف بناها و سکه‌هایی مربوط به دورهٔ ساسانی به‌دست آمد که به معرفی و توصیف آنها می‌پردازیم.



گور دخمه‌های درهٔ لیر

می‌کند. این قلعه در ابعاد 63×63 متر و مصالح آن شامل قلوه‌سنگ و ملاط ساروج بوده است (اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۸: ۲۷۶). کاربرد این قلعه نظامی نبوده و با تجارت دریایی سیراف مرتبط بوده است و نمی‌تواند قلعه حفاظتی یا محلی برای زندگی حاکم یا والیان بوده باشد (پیشین).

● قلعه لگ‌لوگه

این قلعه در شمال شرقی بندر طاهری، روی تپه‌ای مشرف به دریا قرار گرفته و از نظر استراتژیک به ورودی سیراف مشرف است. قلعه لگ‌لوگه شامل مجموعه‌ای از بقایای ساختمانی در دو بخش شرقی و غربی است. بخش شرقی قلعه آسیب بیشتری دیده و تنها

در بخش شرقی را برعهده داشته است. با توجه به اینکه سفال‌های شاخص مربوط به زمانی خاص از این قلعه به دست نیامده، تعیین تاریخ‌گذاری مشکل است، اما نوع پلان و مصالح و طاق‌های این قلعه به قلعه‌های ساسانی شباهت زیادی دارد. نوع معماری قلعه، به‌خصوص طاق‌های گهواری آن، با دیگر قلعه‌های ساسانی قابل مقایسه است (اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۸: ۲۷۸).

● قبور صخره‌ای

در قسمت شمال غربی سیراف تنگی وجود دارد که به تنگ لیر (لیل) معروف است. لیر از نام درخت بزرگی گرفته شده که در تنگه وجود داشته و به زمین‌های شیلاو مشرف است (معصومی،



چاه‌های دره لیر

یکی از عجیب‌ترین آثار

تمدنی سیراف، چاه‌های

عمیقی است که در دره

لیر و روی ارتفاعات به‌طور

خارق‌العاده حفر شده

است. تعداد این چاه‌ها در

این دره ۷۰ حلقه است.

عمق آنها بین ۴۰ تا ۸۰ متر

و قطرشان ۱/۱۰ متر است

(۱۳۷۴: ۱۱۱).

در این تنگه و اطراف آن قبور صخره‌ای فراوانی وجود دارد که بی‌نظیرترین آثار سنگی جهان به‌شمار می‌رود و به تمدن سیراف تعلق دارد. تعداد این قبور به حدی است که شمارش آنها امکان‌پذیر نیست. این قبور در شش قسمت تنگه دره لیر به صورت نامنظم و روی ارتفاعات صخره‌ای و کوهستان پراکنده‌اند (وایت هوس، ۱۳۸۴: ۱۴۱). طول این قبور آنها $2/10$ متر و عرضشان نیم متر و عمق آنها ۴۰ تا ۶۰ سانتی‌متر است که در بعضی مواقع تا ۸۰ سانتی‌متر نیز می‌رسد. جهت آنها بیشتر شرقی - غربی و خارج از قاعده قبور مسلمانان است. به نظر می‌رسد در بخشی از این قبور،

بقایای پی ساختمان قابل مشاهده است. بخش غربی قلعه سالم‌تر و شامل مجموعه اتاق‌هایی است که در دو اشکوبه ساخته شده‌اند. در این بخش، حداقل بقایای پنج اتاق سالم دیده می‌شود و مابقی بخش‌ها به صورت نیمه ویران است. مصالح ساختمانی به کار رفته در این قسمت شامل سنگ‌های نیمه‌تراش و قلوه‌سنگ‌های رودخانه و ملاط گچ و آهک است. بنای اصلی قلعه در دو طبقه ساخته شده است. طبقه اول که ابعاد آن 10×9 متر است تا حدودی سالم مانده و از طبقه دوم تنها زوایای دیوارها به همراه کف فضاهای مرتبط با آن مشاهده می‌شود (همان، ص ۲۷۸).

این بنا احتمالاً دژی نظامی بوده و وظیفه محافظت از سیراف

آیین تدفینی به سور نور لحاظ گردیده است؛ زیرا جهت بعضی از قبور رو به نور است (مصطفوی، ۱۳۵۷: ۴۸۱). در گورستان شغاب بوشهر نیز قبرهایی وجود دارد که احتمالاً این شیوه تدفین در آنها رعایت شده است.

وایت هوس معتقد است که این قبرها به قرون اولیه اسلامی و تازه مسلمانانی مربوط است که هنوز جهت قبله را در این منطقه نمی دانستند (وایت هوس ۱۳۵۳: ۱۴۱). اعتقاد علی اکبر سرافراز بر این است که این قبور در راستای اهداف مذهب زرتشت آماده شده اند. آنها برای جلوگیری از آلودگی آب و خاک، بر طبق شریعت زرتشت، به حفر استودان‌هایی عمیق اقدام کرده اند که جنبه دخمه داشت و پس از متلاشی شدن گوشت جسد، استخوان‌ها در بخش تحتانی این قبور به صورت پراتیک جمع می شد. این قبرها را ساسانیان با اهداف مذهبی و کاملاً هدفمند حفر کرده اند (سرافراز، ۱۳۸۴: ۶۱).

مجموعه‌ای را تشکیل می داده است. در اطراف سکوی سنگی، در داخل سنگ، جدول‌هایی برای انتقال آب تعبیه شده است. آب انبار و چاه آبی نیز در فاصله کوتاهی از این چهارطاقی، در سنگ خارا، تعبیه شده است (نبی پور، ۱۳۸۶: ۴۰).

● چاه‌های دره لیر

یکی از عجیب‌ترین آثار تمدنی سیراف، چاه‌های عمیقی است که در دره لیر و روی ارتفاعات به طور خارق‌العاده حفر شده است. تعداد این چاه‌ها در این دره ۷۰ حلقه است. عمق آنها بین ۴۰ تا ۸۰ متر و قطرشان ۱/۱۰ متر است. روی دهانه چاه‌ها حلقه‌ای سنگی با دو سوراخ تعبیه شده که از آنها برای نگه داشتن چرخ چاه استفاده می شده است (وایت هوس، ۱۳۵۳: ۱۴۱). گمان می رود عمر بسیاری از این چاه‌ها به قبل از قرون نخستین اسلامی [ساسانیان] برسد (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

● دخمه‌های دره لیر

در دامنه کوه سیراف، دخمه‌ها و غارهای کوچکی وجود دارد که برای دیدن بعضی از آنها باید از نردبان استفاده کرد. گشادی بعضی از دخمه‌ها بسیار اندک و ناچیز است و در بیش از ۱/۲۵ x ۲ متر نیست و عموماً در یک سطح طاقچه سنگی بنا شده اند. این غارها را می توان به سه گروه تقسیم کرد: اول دخمه‌های شرقی که در شمال قلعه طاهری و شرق تل گنبد قرار گرفته اند. دوم، غارهای شمالی تل گنبد و سوم گروه غارهای غربی واقع در ارتفاعات غربی تل گنبد (اقتداری، ۱۳۷۵: ۳۹۳-۳۹۰).

سیرافی‌ها به زبان محلی به این دخمه‌ها خانه گوری (خانه گیری) می گویند و عقیده دارند گبرهایی که در گذشته در سیراف ساکن بوده اند، مردگان‌شان را در این دخمه‌ها جای می داده اند تا در مجاورت هوا پوشیده یا طعمه حیوانات وحشی و لاشخورها شوند. هر یک از این غارها در داخل به دو یا چند دخمه ساروجی که غالباً سقف‌های سنگی دارند، راه دارد. گویا در گذشته کف آنها از خاک نرم و استخوان پوشیده انسان پوشیده بوده است (طیاب، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۵)

در ارتفاعات مشرف به بندر طاهری و سمت شرق آن، آثار دیواری است که تا ارتفاع حدود ۳۰ متر از سطح دریا امتداد دارد (اقتداری، ۱۳۷۵: ۳۸۳). این ساختمان به چهارطاقی معروف است. این نقطه در حقیقت محلی برای نیایش و آتشکده‌ای در دوران ساسانی بوده است (اقتداری، ۱۳۷۵: ۳۸۳). احتمالاً این آتشکده همراه با ساختمان‌های مجاور خود که امروزه در اطراف این سکو جای دارند، شامل انبارهای هیزم، روغن، عطرها و معطر برای مراسم مذهبی و بخورهای گیاه‌درمانی و محل زندگی موبدان،

● سکه‌های ساسانی

طی شش فصل حفاری در سیراف بین سال‌های ۱۹۶۶ تا اوایل ۱۹۷۳ م. تعداد ۹۴۹ سکه و خرده سکه در سیراف کشف شد (قاسم بیگلر، ۱۳۸۵: ۱۹). سکه پارس ۱ عدد، سکه رومی ۲ عدد، سکه بیزانسی ۳ عدد، سکه نامطمئن پارتی ساسانی ۴ عدد، سکه ساسانی ۳۳ عدد، سکه ساسانی یا عرب ساسانی ۳ عدد، سکه اموی ۳۷ عدد، سکه امویان اسپانیا ۱ عدد، سکه عباسی ۷۹ عدد، سکه اموی یا عباسی ۱۳۹ عدد، سکه بانتجوری ۱ عدد، سکه آل‌بویه ۷ عدد، سکه قراخانی ۱ عدد، سکه قبل از سلجوقیان نامطمئن ۱۱ عدد، سکه سلغوری ۱۲ عدد، سکه ایلخانی ۲۳ عدد، سکه آل‌مظفر ۱ عدد، سکه نامطمئن مغولی ۱۳ عدد، سکه تیموری ۳ عدد، سکه شاهان ایرانی ۸ عدد، ضرب‌های محلی بدون نام ۲۷ عدد، سکه مسقط و عمان ۴ عدد، سکه زنگبار ۱ عدد، سکه هندوستان ۱ عدد، سکه یمن ۱ عدد، سکه اسلامی نامطمئن ۱ عدد، نشان ۱ عدد، سکه چینی ۷۰ عدد و ۴۷۰ سکه‌ای که تشخیص داده نشده است (همان، ص ۴۹۰).

از روی سکه‌های ضرب شهر سیراف به این نتیجه می‌رسیم که اوج رونق این شهر از اوایل ساسانیان تا اواخر دولت آل‌بویه بوده است.

منابع

۱. ابن حوقل. صوره‌الارض (سفرنامه این حوقل). ترجمه و توضیح جعفر شعار. تهران. امیرکبیر. چاپ دوم. ۱۳۶۶.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان. مقدمه ابن خلدون (جلد اول). ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۷۴.
۳. مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسن. مروج الذهب و معادن الجواهر (جلد اول).



برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگاه دارید).

نام مجلات درخواستی:

.....
.....

نام و نام خانوادگی:

.....

تاریخ تولد:

.....

تلفن:

.....

نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال

- ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. فتوح البلدان. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تصحیح محمد فروزان. تهران. سروش. چاپ دوم. ۱۳۶۴.
 ۵. اسدیپور، حمید: «جایگاه و اهمیت سیراف در درک گفتمان اسلامی و دیاسپورای ایرانی. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف (جلد اول): به اهتمام عبدالکریم مشایخی و غلامحسین نظامی. بوشهر. انتشارات بوشهر. چاپ اول. ۱۳۸۴.
 ۶. اسماعیلی جلودار، محمداسماعیل. گزارش گمانه‌زنی به‌منظور لایه‌نگاری در بندر باستانی سیراف خلیج فارس. بوشهر. مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. ۱۳۸۸.
 ۷. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. المسالک و الممالک. کوشش ایرج افشار. تهران. شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی. چاپ سوم. ۱۳۶۸.
 ۸. اقبال، عباس. سیراف قدیم. مجله یادگار. شماره ۴. آذر ۱۳۲۴.
 ۹. اقتداری، احمد. آثار شهرهای باستانی سواحل خلیج فارس و دریای عمان. تهران. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. چاپ دوم. ۱۳۷۵.
 ۱۰. ایوانف، م.س. و...: تاریخ ایران باستان. ترجمه سیروس ایزدی و حسن تحویلی. تهران. انتشارات دنیا. ۱۳۵۹.
 ۱۱. حدودالعالم من المشرق الی المغرب. به کوشش منوچهر ستوده. انتشارات طهوری. ۱۳۶۳.
 ۱۲. سرفراز، علی‌اکبر. «سیراف»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف. جلد اول. به اهتمام عبدالکریم مشایخی و غلامحسین نظامی. بوشهر. انتشارات بوشهر. چاپ اول. ۱۳۸۴.
 ۱۳. سمسار، محمدحسن. جغرافیای تاریخی سیراف. تهران. انجمن آثار و مفاخر ملی. ۱۳۵۷.
 ۱۴. شواتس، پاول. جغرافیای تاریخ خلیج فارس. ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. چاپ اول. ۱۳۸۸.
 ۱۵. طاهری، رضا. از مروراید تا نفت تاریخ خلیج فارس (از بندر سیراف تا کنگان و عسلویه). شیراز. انتشارات داستان‌سرا. چاپ اول. ۱۳۸۸.
 ۱۶. طبیب، منوچهر. دریای پارس. انتشارات کتاب خورشید. چاپ اول. ۱۳۸۵.
 ۱۷. قاسم‌بیگللو، مرتضی. سکه‌های سیراف. تهران. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. چاپ اول. ۱۳۸۵.
 ۱۸. قاسم‌بیگللو، مرتضی. سکه‌های سیراف. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف. جلد اول. به اهتمام عبدالکریم مشایخی و غلامحسین نظامی. بوشهر. انتشارات بوشهر. چاپ اول. ۱۳۸۴.
 ۱۹. لسترنج، گای. جغرافیای سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ دوم. ۱۳۶۴.
 ۲۰. مصطفوی، محمدتقی. اقلیم پارس. آثار تاریخ و اماکن باستانی فارس. تهران. نشر اشاره. چاپ دوم. ۱۳۵۷.
 ۲۱. معصومی، غلامرضا. سیراف (بندر طاهری). تهران. نشر قطره. چاپ دوم. ۱۳۷۴.
 ۲۲. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقلیم. ترجمه علینقی منزوی. تهران. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران. ۱۳۶۱.
 ۲۳. نبی‌پور، ایرج. پیش‌درآمدی بر پزشکی خلیج فارس. بوشهر. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی. چاپ اول. ۱۳۸۶.
 ۲۴. وایتهاوس، دیوید و ویلیامسن، اندرو. بازرگان دریایی ساسانیان. ترجمه اسدالله ملکیان. تهران. کشتی‌رانی آریا. چاپ اول. ۱۳۵۵.
 ۲۵. وایت هوس، دیوید. کاوش‌های باستان‌شناسی سیراف. ترجمه حسین بختیاری. مجله بررسی‌های تاریخی. شماره ۵۵. بهمن و اسفند ۱۳۵۳.
 ۲۶. وایت هوس، دیوید. کاوش‌های علمی باستان‌شناسی در سیراف. ترجمه غلامرضا معصومی. بوشهر. انتشارات شروع. چاپ اول. ۱۳۸۴.
 ۲۷. وثوقی، محمدباقر. تاریخ خلیج فارس و کشورهای هم‌جوار. تهران. سمت. چاپ اول. ۱۳۸۴.
 ۲۸. یاحسینی، سیدقاسم. سیراف شهر گفت‌وگوی تمدن‌ها. بوشهر. شروع. چاپ اول. ۱۳۸۴.